

تأثیر ادبیات داستانی انقلاب اسلامی بر ادبیات داستانی معاصر ایران

اکبر صحرائی

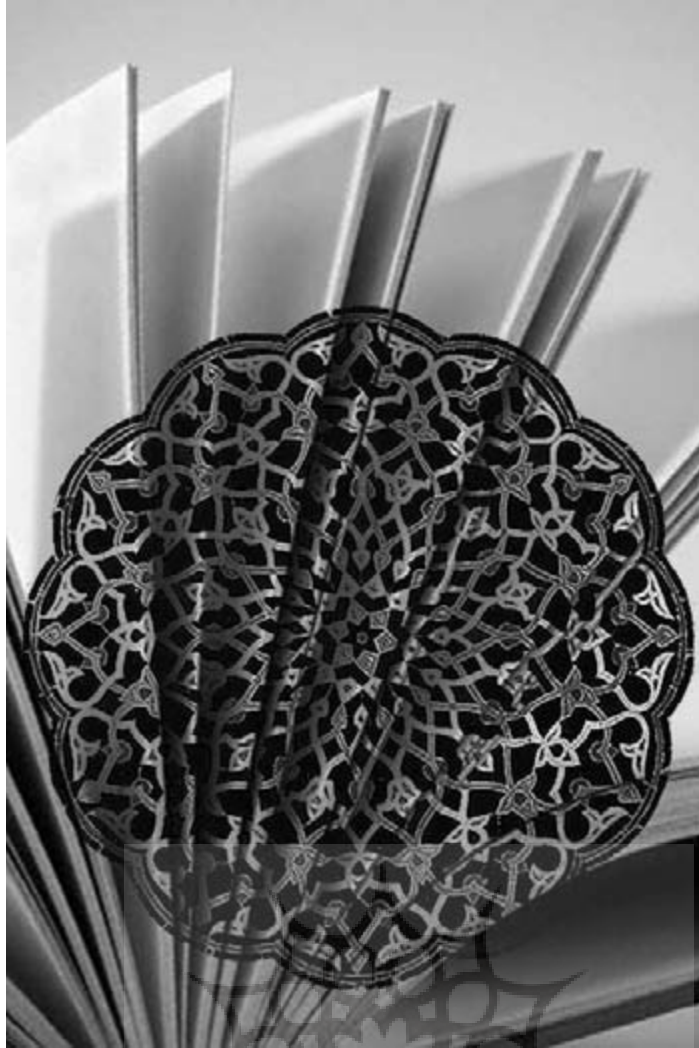
و رمان در تضاد با انقلاب اسلامی هست یا نیست! لذا نویسنده‌هایی به نحوی سعی کرده‌اند ادبیات انقلاب را از ادبیات معاصر تفکیک کنند و اصولاً آن را منکر شوند - که البته نه توانسته‌اند و نه این کار شدنی بوده - برای روشن شدن تأثیر انقلاب اسلامی بر حوزه ادبیات داستانی معاصر به چند مورد از این تأثیرات به ایجاز اشاره‌ای می‌شود. در ادامه این گفتار، به اجمال به تولد و رشد آن پرداخته خواهد شد.

الف) بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ رمان‌ها و مجموعه داستان‌های متعددی منتشر می‌شود که نشان‌دهنده رشد کمی و کیفی ادبیات داستانی در این دوره است. به طوری که منتقدان از فرا رسیدن عصر رمان خبر می‌دهند. برای اطلاع بیشتر می‌توان رجوع کرد به جلد سوم «صد سال داستان‌نویسی» فصل ۱۸ تألیف حسن میرعبدینی. **ب)** ترجمه بیش از ۲۰۰۰ عنوان رمان و مجموعه داستان. انقلاب و فضای آزاد آن بر ترجمه آثار خارجی هم تأثیر خاص خود را می‌گذارد، به نحوی که نویسندگان معاصر دست به ترجمه آثاری با مضامین مبارزاتی و انقلاب کشورهای اروپایی، روسی و آمریکای لاتین می‌زنند. احمد شاملو «بگذار سخن بگویم» «دمیتیلادو چونگارا» و نوشته‌های متعددی از نویسندگان روس را ترجمه می‌کند. دیگر نویسندگان رمان‌هایی مثل «مادر» و ... را ترجمه می‌کنند.

ج) با اوج‌گیری انقلاب و سپس پیروزی آن، کتابخوانی و به تبع آن کارگاه‌های داستان‌نویسی و محافل ادبی رواج و رونق خاصی پیدا می‌کند و مجلات ادبی فراوانی در کشور به چاپ می‌رسد.

با وقوع انقلاب‌های جهانی هر چند از همان بدو پیروزی، بیشترین و سریع‌ترین تأثیر انقلاب بر نظام‌های سیاسی و اجتماعی یک کشور و در مواردی بر جهان (همچون انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب کوبا، انقلاب اسلامی ایران و ...) است؛ اما رفته رفته تأثیر انقلاب بر حوزه فرهنگی و ادبی بیشتر تعمیق و گسترش پیدا می‌کند و دیدگاه‌ها و مکاتب ادبی نو متولد می‌شوند. با توجه به اینکه حوادث و اتفاقات ناب، سوژه‌های بکر و گروتسک، جانمایه ادبیات داستانی است و انقلاب‌ها ذاتاً منبع و مولد این دست‌واژه‌ها هستند، بالطبع نویسنده‌ها با الهام از آنها در به تصویر کشیدن حوادث و زوایای مختلف انقلاب‌ها، دست به خلق آثار متعدد می‌زنند، لذا بر پایه این استدلال پای عموم نویسندگان کشور با گرایش‌های متفاوت به حوزه ادبیات داستانی انقلاب‌ها باز خواهد شد.

در نتیجه انقلاب اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. با پیروزی انقلاب و ایجاد بستر مناسب و آزاد، نویسندگان حرفه‌ای که پیش از انقلاب اسلامی ایران به بلوغ فکری رسیده بودند به همراه شاگردان جوان خود صحنه ادبی را در اختیار گرفتند و با استفاده از فضای باز انقلاب و نوپا بودن ادبیات داستانی که با انقلاب تولد یافته بود، دست به خلق آثاری زدند که به نحوی به انقلاب و جنگی می‌پرداخت (رضا براهنی، احمد محمود، درویشیان، بزرگ علوی، نادر ابراهیمی، هوشنگ گلشیری، شهریار مندنی‌پور، قاضی ربیحاوی و ...). توجه شود که در این مقوله بحث بر این نیست که ماهیت کدام داستان



سلطنت شاه، ادبیات داستانی انقلاب هم رفته رفته علیه نظام ادبیات داستانی منفعل و صرفاً مقلدانه غرب، قیام کرد؛ ادبیاتی که عموماً تحت تأثیر داستان‌ها و رمان‌ها ترجمه شده اروپا و آمریکا بود، هر چند با تغییر رنگ ظاهری آن. این ادبیات داستانی به غیر از چند اثر، فاقد نوآوری و خلاقیت در این عرصه بود؛ در حالی که نویسندگان می‌توانستند با استفاده از تکنیک و عناصر

داستانی که از غرب وام گرفته بودند، با تطبیق و تلفیق آن با باورهای ملی و مذهبی ایران و استفاده از ذهن و خلاقیت، ادبیات داستانی ایران را در مسیر پیشرفت و جهانی شدن قرار دهند، اما متأسفانه فرصت‌سوزی در ادبیات داستانی اتفاق افتاد و کار به جایی رسید که در اواخر دهه پنجاه ادبیات معاصر به بن‌بست رسید.

همعرض با رخدادهای ادبی غرب و در اوج ادبیات داستانی تقلیدی غرب در ایران، جلال آل احمد ظهور می‌کند و مبتکر نثر و زبانی متفاوت می‌شود که بعدها برای داستان نویسان ادبیات انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگو و معیار مطرح می‌شود. نثر و زبان آل احمد با نثر بومی مردم ایران پیوند خورده بود. به جرأت می‌توان گفت جلال نقطه عطف ادبیات داستانی انقلاب اسلامی ایران است. او با کتاب‌های «مدیر مدرسه»، «داستان‌های بی‌مالال»، «زن زیادی» و حتی با کتاب غیرداستانی «خسی در میقات» و «غرب‌زدگی» کلید انقلاب ادبی اسلامی و ملی را زد، ادبیاتی به ظاهر ساده اما تأثیرگذار و عمیق. آل احمد که خود مدتی با نویسندگان و افراد سیاسی روشنفکر معاصر به سر برده بود، به خوبی به افکار و اعتقادات آنها واقف بود. او جامعه روشنفکری غرب‌زده را با ادبیات داستانی و غیرداستانی به چالش می‌کشید.

استاد مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی ادامه نهضت ادبی انقلاب اسلامی را به عهده می‌گیرند. مطهری با کتاب دو جلدی «داستان راستان» تحولی دیگر در شناخت این ادبیات ایجاد می‌کند. دوپست داستان این دو مجموعه برگرفته از تاریخ اسلام و خلفا است؛ داستان‌هایی که به دور از سخت‌نویسی و پیچیدگی متداول، در نوع خود ساده، روان و تأثیرگذار بر مخاطب بودند. کتاب با استقبال خوانندگان

(د) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وابستگان و نزدیکان فراری رژیم شاه و همچنین زندانیان و مبارزان سیاسی دست به انتشار خاطرات خود زدند. این دست کتاب‌ها به دلیل تشنگی مردم برای دانستن حقایق پشت‌پرده و ظلم و فساد رژیم سلطنتی به سرعت در میان خوانندگان کنجکاو کتابخوان و عموم مردم جا باز کرد و تبدیل به نهضت خاطره‌نویسی و خاطره‌خوانی شد!

ادبیات داستانی معاصر ایران در سال‌های قبل از انقلاب بعد از مدتی دچار رکود و تکرار می‌شود و جاهایی به بن‌بست می‌رسد. این حالت را می‌توان به وضوح در عملکرد و بی‌اشتیاقی نویسندگان حرفه‌ای مثل ابراهیم گلستان، ساعدی و به‌آذین دید، البته اگر از مجموعه داستان منتشر شده «مانگدیم و خورشید چهره» (۱۳۶۹) به‌آذین چشم ببوشیم که این مجموعه داستان حاوی افسانه‌هایی است با ساختار و نثری کهنه که همین اثر خود دلیل اثبات رکود و بی‌اشتیاقی است. وقوع انقلاب اسلامی جان دوباره‌ای به پیکره نحیف ادبیات داستانی معاصر دمید. حرکت مردم و مبارزات و اتفاقات و حوادث بکر و ناب چند سال اوج انقلاب تا حد زیادی ادبیات داستانی معاصر را دعوت به بومی‌نویسی کرد که متأسفانه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب نویسندگان حرفه‌ای کمتر به آن توجه کردند.

حال می‌توان از خود پرسید که جایگاه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در ادبیات داستانی معاصر ایران کجاست و اصولاً این حوزه توسط چه کسانی متولد شد؟

سطحی‌نگری است اگر تولد این حوزه را مصادف بدانیم با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ادبیات داستانی انقلاب را فقط شاخ و برگ آن تصور کنیم. لذا بایست عمیق‌تر و علمی‌تر در این مقوله کاوش کنیم. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که جرقه ادبیات داستانی مصادف است با تولد انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر ایران. اگر نطفه انقلاب اسلامی را قیام پانزدهم خرداد سال ۴۲ و حتی سال‌های قبل از آن فرض کنیم، بنابراین همگام با خروش مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه نظام

حرفه‌ای‌تری هم مثل احمد محمود، هوشنگ گلشیری، قاضی ربیحاوی، نادر ابراهیمی، شهریار مندنی‌پور، جواد مجابی، مهدی سبحانی، اسماعیل فصیح و... به میدان آمدند. این گروه از نویسندگان حرفه‌ای در متن داستان و رمان‌های خود بیشتر به فضای پشت جبهه و شهرها و تبعات جنگ پرداختند. داستان‌ها و رمان‌هایی که بیشتر منتقدانه بود و از تبعات، خرابی و ویرانی جنگ می‌گفتند و البته بودند رمان‌ها و داستان‌هایی که در متن به ایثار و دفاع رزمندگان، سربازان و مردم هم پرداختند.

نکته آخر اینکه امروز با توجه به رشد و بالندگی نسبی ادبیات داستانی دفاع مقدس به نظر می‌رسد که نگرشی وجود دارد که با استدلال پایان جنگ و همچنین تألیف کتاب‌های فراوان در حوزه دفاع مقدس، تلاش دارد تا جهت پیکان حرکت ادبیات داستانی دفاع مقدس به سمت خلق ادبیات داستانی انقلاب اسلامی بازگردانده شود، حال پرسش اینجاست که آیا این کار شدنی است؟ تجربه سیر حرکت ادبیات داستانی انقلاب و تبدیل آن به ادبیات داستانی دفاع مقدس نشان داده است که این حوادث و اتفاقات هستند که مسیر و اولویت‌بندی موضوعی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی را مشخص می‌کنند، همانطور که این مسیر به دفاع مقدس ختم شد. اکنون اگر قرار باشد نوک پیکان تغییر کند، تاریخ و سیر حوادث و ضرورت‌های اجتماعی، خود این کار را انجام خواهد داد. چرا که اصولاً روح و جنس ادبیات و هنر با تحمیل و هدایت، سازگاری چندانی ندارد. چنانکه مضامین، فضا، سوژه و حوادث، نویسنده‌های جوان و حرفه‌ای را به طرف حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس سوق داد. امروز چه بخواهیم، چه نخواهیم پرچم حوزه ادبیات داستانی انقلاب در دست نویسنده‌های ادبیات داستانی دفاع مقدس است و این خطایی استراتژیک است، اگر بخواهیم نویسنده‌ها را با بخشنامه به سمت سوژه‌های مدنظر متولیان فرهنگ هدایت کنیم! اما می‌توان با سوژه‌یابی در تاریخ انقلاب، بستر مناسبی جهت ثبت خاطرات ناب انقلاب و تبدیل آنها به کتاب، منبع غنی‌ای برای نوشتن نویسنده‌ها فراهم کرد؛ کاری که در حوزه دفاع مقدس تا حدود زیادی صورت گرفته است. ضمن اینکه به اعتقاد نگارنده، امروز ادبیات داستانی انقلاب اسلامی همان ادبیات داستانی دفاع مقدس است و اصرار بر تفکیک این دو حوزه از هم، می‌تواند آفتی باشد برای رشد آن. باید برخلاف نگرش اول، بین این دو حوزه پیوند و تعامل ایجاد کرد؛ بطوری که سوژه‌ها و اتفاقات ناب سی سال انقلاب و دفاع مقدس و حتی پیش از آن، در رمان و داستان‌ها تنیده شوند، حال می‌تواند قالب سوژه، جنگ باشد یا واقعه‌ای از انقلاب اسلامی.

زیادی روبه‌رو شد و در سال ۱۳۴۴ جایزه کمیسیون ملی یونسکو را نصیب خود کرد. دکتر علی شریعتی با کتاب‌های ارزشمند اعتقادی «حج» و کتاب سیاسی «قصه حسن و محبوبه» گوشه‌ای دیگر از این ادبیات و نثر اسلامی (البته نه داستانی) را نمایان می‌کند.

در سال‌های نزدیک انقلاب تا پیروزی آن، محمود حکیمی با کتاب‌های داستانی «اشرف زاده قره‌مان»، «طاغوت»، «سلاحشوران علوی»، «نقابدار جوان»، «وجدان» و...، رضا رهگذر (محمدرضا سرشار) با کتاب‌های داستانی «اصیل آباد»، «آگه بابا بمیره»، «گرداب سکندر» و...، و علی دوانی را می‌توان ادامه دهنده این روند دانست. سال‌های ابتدای انقلاب چهره‌هایی مثل امیرحسین فردی، ابراهیم حسن بیگی، محسن مخملباف، م. گلابدراهی، سیدمهدی شجاعی و... با داستان‌ها و رمان‌های متفاوت و مختلف خود حوزه ادبیات داستانی انقلاب را پررنگ و روشن‌تر کردند.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور ۱۳۵۹ و شلیک اولین گلوله، ادبیات داستانی دفاع مقدس پدید می‌آید و جنگ چاشنی انفجاری ادبیات داستانی انقلاب اسلامی می‌شود و این ادبیات، شکل جدیدی به نام «دفاع مقدس» به خود می‌گیرد و همه چیز را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، درست مثل خود جنگ! لذا تا پایان جنگ و سال‌های بعد، ادبیات داستانی دفاع مقدس جای ادبیات داستانی انقلاب می‌نشیند.

در ابتدای خلق آثار جنگ، داستان‌های دفاع مقدس فاقد نیروی تخیل و تکنیک داستانی است و بیشتر به تهییج خواننده به دفاع از کشور می‌پردازد. دغدغه اصلی آنها انتقال مفهومی واژه ایثار و شهادت به خواننده بود که بیشتر مواقع دچار شتابزدگی در نوشتن متن می‌شدند و نویسنده در متن داستان دخالت و موضع‌گیری می‌کرد. البته شاید این امر در سال‌های نخست جنگ، اجتناب‌ناپذیر بود، چرا که عمده نویسندگان، رزمندگان بودند که در جبهه‌ها حضور داشتند و می‌جنگیدند! در این سال‌ها به تدریج جنگ، داستان‌نویس جنگ را پیدا می‌کند. آنها به‌رغم اینکه فاقد عنصر تجربه هستند، اما با حضور عینی و مستقیم در میدان جنگ، در معرض سوژه‌های بکر و نوبی قرار می‌گیرند که در ادامه همین تجربه تبدیل به عنصر مهمی می‌شود برای خلق آثار داستانی ماندگارتر و البته معرفی نویسنده‌های قابل طرح در این حوزه؛ نویسندگانی مانند: محمدرضا بایرامی، داوود غفارزادگان، محمدرضا کاتب، حبیب احمدزاده، احمد دهقان، مجید قیصری، حسن بنی عامری، قاسمعلی فراست، سیدبایسر هشترودی و...

بمباران و موشک‌باران شهرهای ایران توسط عراق (وقوع جنگ در شهرها و مهاجرت) حوزه داستان‌ها را به شهر و عامه نویسنده‌های کشور و حتی خارج از کشور کشید و بسط داد. داستان‌نویس‌های